

خطای فاحش جنگ آمریکا علیه ایران



A protester holds a sign in front of U.S. Marines in downtown Los Angeles on June 19th, 2025. Photo: Jon Putman/Anadolu via Getty Images



محسن کدیور

۳۱ خرداد ۱۴۰۳

جنگ اسرائیل علیه ایران بر اساس کلیه ضوابط حقوقی و اخلاقی بین‌المللی جنگی غیرقانونی است. مطابق کلیه کنوانسیونهای حقوقی سازمان ملل متحد، اسرائیل به خاک ایران تجاوز کرده، تا کنون چند صد نفر از مردم غیرنظامی را کشته است و به زیرساختهای ایران آسیب زده است. دفاع ایران از خاک خود در برابر تجاوز اسرائیل دفاعی قانونی و اخلاقی است.

جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس هرگز به هیچ کشوری تجاوز نکرده است. در مقابل، اسرائیل از بدو تاسیس به تقریباً کلیه همسایگانش تجاوز کرده، بخشی از خاک آنها را تصرف کرده، غیرنظامیان فراوانی از کودک و زن را کشته است، نمونه آخرش کشتار جمعی، پاکسازی قومی و شکنجه از طریق گرسنگی دادن در غزه است. بنیامین نتانیا هو نخست وزیر اسرائیل از سوی دیوان عالی دادگستری در لاهه محکوم شده و به عنوان «جنایتکار جنگی» تحت تعقیب بین‌المللی است.

بهانه این جنگ غیرقانونی این است که غنی‌سازی اورانیوم در ایران به حدی رسیده که «نزدیک است» ایران به سلاح اتمی دست یابد. این ادعا با دو دهه روایت ساختگی از برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک «تهدید» از طریق گزارش‌های مبالغه‌آمیز و گاه کاملاً دروغ، که همگی برای افزایش تسلط اسرائیل در منطقه است، پشتیبانی می‌شود. با این حال، اسرائیل تنها کشور خاورمیانه است که واقعاً سلاح هسته‌ای دارد، از امضای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خودداری کرده، به بازرسان بین‌المللی اجازه بازدید از تأسیسات هسته‌ای خود را نداده و پیوسته با مصونیت از مجازات، قوانین بین‌المللی را نقض کرده است.

بهانه دیگر اسرائیل برای دست‌یازیدن به این جنگ غیرقانونی، شعار سران ایران مبنی بر «محو اسرائیل از نقشه جغرافیایی» است. این شعار تناسبی با توان نظامی ایران ندارد، و رجزی قابل انتقاد بیش نیست. اسرائیل حق دارد با شعار و رجز پاسخ دهد. اما پاسخ شعار و رجز بمباران و حمله نظامی نیست. مگر نه اینکه به لحاظ حقوقی و اخلاقی باید بین جرم و مجازات تناسب برقرار باشد؟ از سوی دیگر، اسرائیل اگر از تهدیدهای لفظی جمهوری اسلامی ایران ناخشنود است، به لحاظ اخلاقی و حقوقی حق دارد کشور تهدیدکننده را تهدید لفظی کند، اما مطابق موازین حقوق بین‌الملل، کنوانسیونهای سازمان ملل متحد، و ضوابط اخلاقی حق ندارد به این بهانه به ایران حمله نظامی کند، دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان نظامی را ترور کند، به بهانه بمباران زیرساختهای ایران مردم غیرنظامی را بکشد. آیا این تروریسم دولتی نیست؟ آیا اسرائیل از بدو تأسیس جز با ترور مخالفانش پیش رفته است؟ با روش زورمدارانه اسرائیل چه نیازی به سازمان ملل متحد و نظام حقوق بین‌الملل؟! هر کشوری رأسا هر چه دوست دارد می‌کند و مخالفانش را به هر طریقی که می‌پسندد مجازات می‌کند. آیا نام این تمدن است یا

احیای بربریت مدرن؟

بهانه دیگر اسرائیل برای این جنگ غیرقانونی شعار «دفاع از خود» است. دفاع از خود توجیهی است که اسرائیل برای تجاوز به همسایگان، حمله به مخالفان و جنگ غیرقانونی علیه ایران استفاده می‌کند. هر انسان و کشوری حق دارد از خودش دفاع کند. اما این دفاع در کلیه نظامهای حقوقی مقید و مشروط به رعایت حقوق دیگران است. اگر دفاع از خود با نقض مکرر حقوق دیگران حق انحصاری صهیونیست‌ها و اسرائیل باشد، این تنها با یک پیش‌فرض قابل قبول است و آن قوم برگزیده بودن یهود و فاقد حقوق بودن غیریهودیان است. این پیش‌فرض صهیونیستی این فرض صهیونیستی نه تنها توسط یهودیان و مسیحیان مترقی، بلکه توسط آزادی خواهان و عدالت طلبان در سراسر ایالات متحده و جهان انتقاد قرار گرفته است. این تلقی آپارتایدی از حق دفاع از خود با اصل اول منشور جهانی حقوق بشر در تعارض مستقیم است. اهالی غزه، جنوب لبنان، و ایران همان قدر انسان هستند و از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برخوردارند که صهیونیست‌های یهودی و مسیحی و شهروندان اسرائیل.

رئیس جمهور دونالد ترامپ در دور دوم ریاستش با این شعار آمده بود که من جنگهای موجود را به سرعت خاتمه می‌دهم و «رئیس جمهور صلح» هستم و نمی‌خواهم آمریکا را به جنگی دیگر بکشانم. او با شعار «آمریکا اول» اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی آمریکا را در همین چند ماه دگرگون کرده است. آنچه در عمل مشاهده می‌کنیم تجاوز روسیه به اوکراین به سرانجامی نرسیده است. جنگ ضدبشری اسرائیل علیه اهالی غزه نه تنها پایان نیافته بلکه دولت دوم ترامپ آتش بس فوری بدون قید و شرط بین اسرائیل و حماس را که مورد اتفاق کلیه اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد بود وتو کرد و با اخراج نیروهای سازمان ملل متحد در توزیع غذا با دولت نتانیاهو در کشتار تدریجی اهالی غزه در صف توزیع غذا یا به دلیل گرسنگی شریک جرم است.



WASHINGTON, DC – (Photo by Alex Edelman/Getty Images)

رئیس جمهور ترامپ ابتدا با نتانیاهو نخست‌وزیر جنگ‌طلب اسرائیل در مشارکت در جنگ علیه ایران حداقل به ظاهر همراهی نکرد. اسرائیل زمانی جنگ خود را با ایران آغاز کرد که آمریکا و ایران در حال مذاکره بودند، و به

گفته طرفین مذاکرات رو به موفقیت اما به کندی پیش می‌رفت. با اعلامیه شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی که هیچ دلالتی بر اینکه ایران سلاح هسته‌ای دارد نداشت، اسرائیل جنگ غیرقانونی خود علیه ایران را آغاز کرد و مواضع متشدد، متناقض و زیگزاگی رئیس‌جمهور ترامپ آغاز شد و اخیراً آرایش جنگی به خود گرفته است. نتانیاهو و جناح جنگ‌طلب کاخ سفید متأسفانه توانسته‌اند پرزیدنت ترامپ را به سمت درگیر شدن در این جنگ غیرقانونی بکشانند. این جنگ غیرقانونی خلاف قانون اساسی آمریکا، وعده‌های اولیه پرزیدنت ترامپ، بر خلاف منافع ملی آمریکاست و باعث ورود آمریکا به جنگی بسیار پرتلفات‌تر و پرمشکل‌تر از جنگ آمریکای دوران پرزیدنت بوش پسر با عراق و افغانستان می‌شود. پرزیدنت بوش پسر با اطلاعاتی نادرست (صدام حسین سلاح کشتار جمعی در اختیار دارد) عراق را اشغال کرد و به تلفات سنگین انسانی از غیرنظامیان و نظامیان عراقی و نظامیان آمریکایی انجامید. بعد هم معلوم شد اطلاعاتی که به رئیس‌جمهور وقت داده شده بود، کاملاً غلط بوده است!

ورود آمریکا در جنگ غیرقانونی با ایران مبتنی بر اطلاعات کاملاً غلط مشابهی است. ایران سلاح هسته‌ای ندارد و نهادهای امنیتی آمریکا به پرزیدنت ترامپ گزارش کرده‌اند که هیچ شاهدهی در دست نیست که ایران به سلاح اتمی دسترسی دارد یا در تدارک آن است، متأسفانه رئیس‌جمهور به این گزارش رسمی وقعی ننهاده است. ایران در مورد غنی‌سازی در مذاکراتی شرافتمندانه و حقوقی با آمریکا حاضر به انعطاف بوده است. البته به صفر رساندن آن برای کشوری که عضو آژانس اتمی و تحت نظارت مستمر آن بوده است، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده و به آن پابند است، منطقی و واقع‌بینانه نیست.

لحن تحقیرآمیز و غیرمحترمانه پرزیدنت ترامپ نسبت به سران دیگر کشورها از جمله رهبر جمهوری اسلامی، یا تقاضای «تسلیم بی قید و شرط» از جمهوری اسلامی ایران برای هیچ ایرانی باشرافت و وطن‌دوستی قابل‌پذیرش نیست. اگرچه جمهوری اسلامی نسبت به مردم خودش بسیار بد عمل کرده است - و من یکی از منتقدان سرسخت آن بوده و هستم - اما در جنگ اخیر مقصر اصلی نیست و آغازگر جنگ هم نبوده است. این لحن و این روش رئیس‌جمهور ترامپ، هر ایرانی وطن‌دوست، حتی بسیاری منتقدان جمهوری اسلامی را وادار می‌کند تا در دفاع از حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران، در کنار ایران بایستند.

ورود آمریکا در جنگ غیرقانونی اسرائیل علیه ایران مغایر با شعار کلیدی «آمریکا اول» است و در عمل ورود به مرحله «اسرائیل اول» است. به این معنی که جنگ مشترک اسرائیل و آمریکا علیه ایران مطابق نقشه نتانیاهو و برای پیشبرد منافع شخصی نتانیاهو و کابینه جنگ‌طلب اسرائیل است و به ضرر قطعی آمریکا در منطقه و جهان است. در این جنگ نابرابر آمریکا می‌تواند زیرساخت‌ها و صنایع هسته‌ای و نظامی ایران را نابود کند، اما با چه بهای گزافی؟ ایران یقیناً ساکت نخواهد نشست و در دفاع از خود به پایگاه‌های متعدد آمریکا در منطقه حمله خواهد کرد، تنگه هرمز را خواهد بست، و تلفات بسیار سنگینی به آمریکا وارد خواهد کرد. تابوتهای فراوانی روانه آمریکا خواهند شد. با یادآوری تجاوز مخرب آمریکا به عراق، افکار عمومی آمریکا به شدت نسبت به این موضوع حساس است. با آغاز چنین جنگ غیرقانونی رؤیای دریافت جایزه صلح نوبل پرزیدنت ترامپ هرگز تعبیر نخواهد شد.

اینکه اسرائیل و آمریکا در جنگی غیرقانونی جمهوری اسلامی را ساقط کنند همانند آنچه آمریکا و متحدان

اروپائیش در لیبی کردند نه به نفع مردم لیبی بوده نه منافع غرب تامین شده است. ایران هم لیبی و سوریه و عراق نیست. ورود پرزیدنت ترامپ در این جنگ غیرقانونی منطقه را به آتش می کشد. بعید است چین، روسیه، و کشورهای عرب خلیج فارس هم با چنین جنگی موافق باشند. تنها کشوری که از این امر استقبال می کند اسرائیل است و احیاناً برخی کشورهای اروپایی.

تغییر رژیم از طریق کودتا یا حمله نظامی از سوی آمریکا در هفتاد سال اخیر در هیچ کشوری هرگز به دموکراسی و حقوق بشر نینجامیده است. آمریکا در دوران پرزیدنت آیزنهاور با کمک نخست وزیر چرچیل دولت قانونی و دموکراتیک نخست وزیر محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ را در ایران ساقط کردند و محمدرضا شاه پهلوی دیکتاتور را برای یک ربع قرن دیگر بر ایران مسلط کردند. انقلاب ۱۹۷۹ و گروگانگیری غیرقانونی سفارت آمریکا در تهران برخی از پیامدهای آن بود.

پرزیدنت ترامپ می تواند اشتباهات پرزیدنت آیزنهاور و پرزیدنت بوش را تکرار کند و خود را به عنوان یکی از رئیس جمهورهای آمریکا که برای تجاوزگری های اسرائیل جان آمریکائی ها را به خطر انداخت و نخستین رئیس جمهور آمریکا شود که به ایران حمله نظامی کرد نام خود را در تاریخ ثبت کند. ایالات متحده، مانند اسرائیل، جایگاه خود را در خاورمیانه به عنوان نمادی از بی عدالتی، بی قانونی، بی اخلاقی و نقض کرامت، اخلاق و انسانیت، گسترش خواهد داد.

امیدوارم آنچه تا کنون از پرزیدنت ترامپ تا کنون درباره حمله نظامی به ایران و همراهی با اسرائیل شنیده ایم بلوف بوده باشد و او چنین اشتباه پرهزینه ای را مرتکب نشود. در کنگره و سنای آمریکا نمایندگان و سناتورهای هستند که به عواقب وخیم چنین حمله ای آگاه هستند. امیدوارم هیأت حاکمه آمریکا در مجموع مرتکب چنین اشتباه سهمگینی نشود و روابط ایران و آمریکا روزی بهبود یابد که این به نفع منطقه، جهان و هر دو ملت است.

این یادداشت ابتدا به انگلیسی خطاب به افکار عمومی آمریکا در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ (۲۹ خرداد

۱۴۰۴) منتشر شده است.



kadivar.com

<https://kadivar.com/21790/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.